

حسابداری ساختگی و رسوایی های مالی شرکت های آمریکایی

در حسابداری ساختگی، گزارشگر بی آن که اصول موازین و استانداردهای حسابداری را زیر پا بگذارد تنها با بهره جویی از نبود استانداردها، قوانین مالیات ها و مقررات مالی حاکم بر یک رویداد مالی، اقدام به ارائه ی تصویری نادرست و دلخواه مدیر می کند

دکتر محسن دستگیر

مقدمه

رسوایی های مالی که اخیراً برای شرکت های سهامی بزرگ کشور ایالات متحده رخ داد ناشی از حسابداری ساختگی است. این رسوایی ها تاثیر بسیار ژرفی بر نهادهای مالی آن کشور و تبعاً بر بازارهای مالی سایر کشورهای صنعتی گذاشت. هدف



چکیده

کشورهای انگلیسی زبان با پذیرش سیستم حسابداری مبتنی بر اصول پذیرفته شده ی حسابداری، سال ها است که راه را برای انعطاف حسابداران در انجام امور حسابداری شرکت ها باز گذاشته اند. ناهنجاری های مالی که از این رهگذر، دامن سیستم های حسابداری این قبیل

این نوشتار معرفی اصطلاح جدید حسابداری ساختگی و بررسی شیوه هایش است. در حسابداری ساختگی، گزارشگر بدون زیر پا گذاشتن اصول و موازین و استانداردهای حسابداری تنها با استفاده از نبود استانداردها، قوانین مالیاتی و مقررات

کشورهای یاد شده هستیم. در این مقاله پدیده ی حسابداری ساختگی و شیوه هایش معرفی می گردد. نگارنده اعتقاد دارد که منشاء اصلی تمام ناهنجاری های یاد شده از طریق حسابداری ساختگی و به دلیل مشکلات نهفته در دل سیستم حسابداری این گونه کشورها پدید می آید.

کشورها را گرفته است، موجب گشته تا با ارائه ی استانداردهای حسابداری انعطاف عمل حسابداران را کاهش دهند سیستم های حسابداری خود را سامان بخشند. با وجود چنین راه کاری هنوز هم شاهد مشکلات مالی بسیار و هر از گاهی رسوایی های بزرگ حسابداری در

خریداران قول افزایش زیادی در قیمت سهام عادی داده شده بود. اگر چنین افزایشی صورت نگیرد، سرمایه‌گذاران در این قبیل اوراق بهادار اختیار تقاضای بازخرید و وصول کمبود بهره‌های پنج‌سال گذشته خود را خواهند داشت. این قبیل بهره را بهره‌ی تکمیلی^۳ گویند. نکته‌ی مهم در این جا شیوه‌ی حسابداری هزینه‌ی بهره‌ی تکمیلی است. آیا باید این قبیل بهره‌ها در طول پنج سال اول به عنوان هزینه‌های انتقالی به دوره‌های آتی تلقی گردند؟

در سال ۱۹۸۸ نوع دیگری از اوراق بهادار قابل تبدیل ابداع گردید که آن را سهام ممتاز قابل تبدیل فلات قاره‌ای با صرف اختیار فروش^۴ نامیدند. اول بار شرکت یونایتد بیسکیت^۵ مبادرت به صدور آن کرد. تفاوت مهم این نوع اوراق بهادار با نوع قبلی که در بالا توضیح داده شد، در استفاده از سهام ممتاز به جای اوراق قرضه است، که موجب گریز از نشان دادن بدهی در سال‌های اولیه‌ی صدور گردید. نیاوردن ابزار مالی به عنوان بدهی و نشان دادن آن در بخش حقوق صاحبان سهام موجب افزایش قابل ملاحظه‌ی این بخش از ترازنامه می‌شود. در هنگام جذب و ادغام شرکت‌ها که حساب سرقتی‌های کلان ایجاد می‌شود و باید آن را به اندوخته‌ها در بخش حقوق صاحبان سهام بست، طبقه‌بندی بالا مفید است.

ماهیت فلات قاره‌ای بودن چنین اوراق بهاداری موجب می‌شود تا پیش از پرداخت مالیات سود سهام^۶ ممتازی را که شرکت باید برای سهام ممتاز منتشر شده‌ی خود بپردازد کاهش دهد. (هیوز و لوب باک، ۱۹۸۹). بنابراین اوراق بهادار یاد شده در بالا طوری طراحی شده‌اند که در نبود استاندارد یا برخی قوانین مالیاتی، حداکثر استفاده را نصیب صادرکننده این گردانند.

در سال ۱۹۸۸ اداره‌ی مالیات‌های انگلستان قرارداد مالیات مضاعفی را با هلند بست که به موجب آن شرکت‌های

صادرکننده‌ی اوراق بهادار مبادرت به صدور آن‌ها از یکی از جزایر آزاد آن کشور می‌کردند. این کار موجب شد تا مزیت مالیاتی یاد شده در بالا از بین برود. چنین تغییری در قوانین مالیاتی باعث پیدایش نوع دیگری از اوراق بهادار قابل تبدیل به نام اوراق قرضه سرمایه‌ای^۷ گردید. این ابزار مالی به نحوی طراحی شده بود تا از مزیت مالیاتی و حسابداری سهام ممتاز قابل تبدیل فلات قاره‌ای استفاده شود. این بار این اوراق بهادار از طریق شرکت فرعی ایجاد شده در جزیره‌ی انگلیسی جرزی^۸ صادر گردید.

رونق عمده‌ی انتشار اوراق بهادار یاد شده در این مقاله در کشور انگلستان بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ بوده است، (شاه ۱۹۹۳). در این دوران انواع اوراق قرضه‌ی قابل تبدیل با صرف اختیار فروش، سهام ممتاز قابل تبدیل فلات قاره‌ای و اوراق قرضه سرمایه‌ای قابل تبدیل به سهام عادی منتشر گردید. دلیل اصلی انتشار چنین اوراق بهاداری که نمونه‌ی آن‌ها قبلاً نبوده است، انجام حسابداری ساختگی است. تغییر روند انتشار اوراق قرضه‌ی قابل تبدیل با صرف اختیار فروش، به سهام ممتاز قابل تبدیل فلات قاره‌ای به منظور مزیت حسابداری ساختار صرف فروش و براساس آن تعیین ساختاری از ابزار تامین مالی است که به توان آن را تحت عنوان حقوق صاحبان سهام طبقه‌بندی کرد. تغییر روند انتشار سهام ممتاز قابل تبدیل فلات قاره‌ای به اوراق قرضه‌ی سرمایه‌ای قابل تبدیل به سهام عادی، ناشی از تغییر مقررات مالیاتی بوده است.

لازم به ذکر است که هربار نوع جدیدی از اوراق بهادار انتشار می‌یافت نوع قبلی حذف می‌گردید. چون شرکت‌ها مبادرت به انتشار اوراق بهاداری می‌کردند که بیشترین منافع را برایشان داشت. در دوران یاد شده، سی و دو شرکت بزرگ انگلیسی انواع اوراق بهادار

قابل تبدیل پیش‌گفته را جمعاً به مبلغ ۳۵۸۴ میلیون پوند انتشار دادند. برخی از این شرکت‌ها بیش از یک نوع اوراق بهادار منتشر کردند. اغلب این شرکت‌ها از میان شرکت‌های صاحب نام انگلیسی مانند، بریتیش ایرویز^۹، ۳۲۰ میلیون پوند، ساتچی اند ساتچی^{۱۰}، ۱۷۷ میلیون پوند، بلوسیرکل^{۱۱}، ۹۰ میلیون پوند بودند، که اسمیت، در فصل ۱۶ کتاب خود از آنها به عنوان شرکت‌هایی که حسابداری ساختگی را انجام داده‌اند نام برده است.

طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ در رابطه با شیوه‌ی حسابداری اوراق بهادار قابل تبدیل هیچ‌گونه استاندارد در بریتانیا وجود نداشت. براساس بیانیه‌ی شماره ۲ کارگروه استانداردهای حسابداری کشور انگلستان که در آن برخی اصول بنیادین حسابداری مشخص و تعریف شده است، مسابانی حسابداری تعهدی و مفهوم محافظه‌کاری، ایجاد می‌کند که هزینه‌های بهره تکمیلی از زمان انتشار اوراق بهادار مربوطه مستهلک گردد. این نکته در نظر انجمن حسابداران چارترد انگلستان و ویلز (ICAEW) که تحت عنوان TR۶۶۷ در سال ۱۹۸۸ صادر شد، مدنظر قرار گرفت. اما این نظریه دارای ضمانت اجرایی مانند استانداردهای حسابداری، نبود. ولی به‌ر صورت این اثر در زمانی صادر شد که هیچ راه حلی برای حسابداری اوراق بهادار قابل تبدیل با صرف اختیار فروش جهت ارایه شیوه‌ی حسابداری این گونه اوراق بهادار وجود نداشت. بنابراین هیچ‌گونه استاندارد حسابداری یا بیانیه‌ای در رابطه با طبقه‌بندی اوراق قابل تبدیل جدید، مانند آن دسته که در بالا نام برده شد، به عنوان بدهی یا حقوق صاحبان سهام وجود نداشت. این همان حلاله در اصول و موازین حسابداری بود، که منتشرکنندگان چنین اوراق بهاداری با استفاده از آن مبادرت به انجام حسابداری ساختگی می‌کردند، (پوپ

و پوکسیدی، ۱۹۹۱ و دو، ۱۹۹۰). نشان دادن این اوراق بهادار در بدهی‌های شرکت موجب شد نسبت اهرم مالی شرکت‌ها و به دنبال آن ریسک شرکت‌ها افزایش یابد. منتشركندگان اوراق بهادار مذکور تمایل داشتند که آن‌ها را جزو حقوق صاحبان سهام شرکت گزارش کنند تا هم موجب افزایش نسبت‌های اهرمی نگردد و هم مزایای قابل توجه از بستن حساب سرقظلی خریداری شده به حقوق صاحبان سهام ایجاد شود. (شاه ۱۹۹۳).

نتیجه‌گیری

رسوایی‌های مالی اخیر شرکت‌های بزرگ آمریکایی که یکی پس از دیگری رو می‌شود، همگی ناشی از حسابداری ساختگی است. اولین شرکتی که حسابداری ساختگی در آن آشکار گردید، شرکت نفتی و بزرگ انرون^{۱۲} بود. مدیران این شرکت سال‌ها سرگرم انجام حسابداری ساختگی بوده‌اند. آن‌ها در کمال رعایت اصول و موازین و استانداردهای موجود حسابداری، اما با استفاده از خلاءها مبادرت به ترسیم چهره‌ای بهتر از شرکت می‌کردند. نکته قابل توجه این که حساب‌رسان شرکت، یعنی شرکت حساب‌رسی معروف آرتور اندرسون^{۱۳}، در گزارش‌های حساب‌رسی خود مربوط به شرکت انرون به چنین مشکلاتی اشاره نکرده‌اند. پس از انرون نوبت به ورلدکام، زیراکس، و شرکت بزرگ دارویی مرک رسید. هر یک از این شرکت‌ها طی سالیان متمادی به انجام حسابداری ساختگی مشغول بوده‌اند، تنها شرکت دارویی مرک طی سه سال گذشته ۱۲ میلیارد دلار اوضاع مالی خود را بهتر نشان داده است.

نمونه‌های بالا، تنها نوک کوه عظیم یخی است که از زیر آب سربر آورده است. به دیگر سخن شرکت‌های بسیاری وجود دارد که به

حسابداری ساختگی روی آورده‌اند. ولی هنوز آهنگ رسوایی آن‌ها نواخته نشده است. اخبار حسابداری ساختگی این چند شرکت چنان طوفان مهیبی در اوضاع بازارهای مالی آمریکا و سایر بازارهای مالی دنیا به وجود آورد که سیاستمداران را مجبور به دخالت کرد. قوهی مقننه آمریکا نیز قوانین بسیار سنگینی برای مدیرانی که از این به بعد به حسابداری ساختگی روی می‌آورند گذرانند. در آمریکا اعتماد سهام‌داران به کلی نسبت به گزارش‌های مالی شرکت‌های سهامی از بین رفته است. برخی از کارکنان شرکت نفتی انرون که سهام شرکت را نیز خریداری کرده بودند، زیان‌های سنگین متحمل شدند.

بی‌اعتمادی ناشی از این رسوایی‌های مالی موجب سست شدن پایه‌های اقتصاد آزاد غرب گردیده است. سوال اساسی که ذهن هر تحلیل‌گر مالی و صاحب نظر مدیریت مالی را به خود مشغول می‌کند، این است که چگونه بازارهای معاملات سهام که کارایی آن‌ها در دهه‌ی هفتاد میلادی، در سطح نیمه قوی توسط پژوهشگران به اثبات رسیده است از این رسوایی‌های مالی غافل ماندند؟ ضربه‌ای که حسابداری ساختگی و رسوایی‌های بعدی آن به نظریه کارایی بازار معاملات سهام زده است جای پژوهش‌های جدی دارد.

سوال دیگر این که چگونه وضع‌کنندگان استانداردهای حسابداری از ارائه‌ی استانداردهایی که به ناهنجاری حسابداری ساختگی پایان دهد عاجزند؟ اصولاً در دنیا دو سیستم کلی حسابداری وجود دارد. یکی سیستمی که در کشورهای انگلیسی زبان (آمریکا، کانادا، انگلستان، استرالیا و نیوزیلند) رایج است و دیگری سیستمی که در اغلب کشورهای پیشرفته‌ی اروپایی مانند، فرانسه، آلمان و سوئیس وجود دارد. سیستم حسابداری کشورهای انگلیسی زبان سیستمی است مبتنی بر اصول پذیرفته

شده‌ی حسابداری (GAAP) که در آن حسابداران دارای آزادی عمل حسابداری هستند ولی قابلیت مقایسه‌ی گزارش‌های مالی شرکت‌های مختلف کم است. سیستم حسابداری کشورهای اروپایی (غیر از انگلستان) به سیستم حسابداری هماهنگ^{۱۴} معروف است. در این سیستم قابلیت مقایسه‌ی گزارش‌های مالی زیاد ولی آزادی عمل حسابداران محدود است. آزادی عمل حسابداران در سیستم مبتنی بر اصول و موازین حسابداری، ضرورت تدوین مداوم استانداردهای حسابداری را برای به نظم در آوردن انعطاف حسابداران، ایجاب می‌کند.

منتقدین نظام حسابداری مبتنی بر اصول پس‌ذرفته شده‌ی حسابداری (GAAP) ایرادهای بسیار جدی به آن وارد کرده‌اند. آن‌ها بر این باورند که کارکردهای استانداردهای حسابداری تحت تاثیر لابی‌ها و سیاسی‌کاری‌های شرکت‌های بزرگ تجاری، حساب‌رسی (پنج ابر موسسه‌ی حساب‌رسی دنیا) و سایر گروه‌های ذی‌نفع که دارای قدرت مالی نیز هستند قرار می‌گیرند. بنابراین تعجبی نخواهد داشت که شاهد باشیم استانداردهای حسابداری چنین کارگروه‌هایی کمکی به کاهش یا نابودی حسابداری ساختگی نکنند.

پی‌نوشت

- 1- Premium Put Convertible Bond
- 2- Burton Group
- 3- Supplemental Interest
- 4- The Offshore Premium Put Convertible Preference Shares
- 5- United Biscuit
- ۶- در کشور انگلستان شرکت‌هایی که سود سهام می‌پردازند، طبق قانون مالیات‌ها موظف هستند، پیش پرداخت سود سهام Advance Corporate (Tax یا ATC) را محاسبه کرده به اداره مالیات‌ها بپردازند.
- 7- Convertible Capital Bond (CCB)
- 8- Jersey

Society (Spring 1988) pp. 113-121

8- Mitchell, A., Sikka, P., Christensen, J., Morris, P. and Filling, S., No Accounting for Tax Havens, Association for Accountancy & Business Affairs, (2002).

9- Pope, P.F. and Puxty, A.G., What is Equity? New Financial Instruments in the Interstics between the Law, Accounting and Economics: The Modern Law Review (November 1991) pp.889-911.

10- Shah, A., Accounting Policy Choice: The Case of Financial Instruments. Unpublished doctoral dissertation, London School of Economics (April 1993)

12- Sikka, P., Regulation of Accountancy and the Power of Capital: Some observations, Critical Perspective on Accounting, (2001) 12, pp.199-211

13- Smith, T., Accounting for Growth: Stripping the Camouflage from Company Accounts (London: Century Business Publications, 1992)

the Public in thn Dark, Association for Accountancy & Business Affairs, (1999)

2- Dow, R., Convertibel Capital Bonds: The New Financing Solution, Practical Law for Com[anies (August1990)pp-7-14

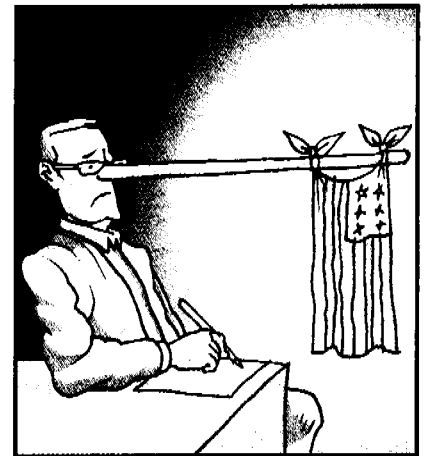
3- Hopwood, A., Ambiguity, Knowledge and Territorial Claims: Some Obervations on the Doctrine of Substance over Form: A Review Eassy, British Accounting Review (March 1990) pp. 79-87

4- Hughes, N.& Lubbock, E., Euroconvertibel (referenced Shares, The Treasurer (Aprill 1989) pp. 43-45

5- Institute of Chartered Accountants in England and Wales, TR677- Accounting for complex Capital Issues, Accountancy (January 1985) pp.147-148

6- London Stick Exchange, Admission of Securities (London:1992)

7- McBarnet, D., Law, Policy and Legal Avoidance: Can LAw Effectively Implement Egalitarian Policies, Journal of Law and



9- Britiah Airways

10- Saatchi and Saatchi

11- Blue Circle

12- Enron

13- Arthur Anderson

14- Worldcom

15- Xerox

16- Merck

17- Uniform Accounting System

منابع

1- Dunn, J. and Sikka, P., Auditors: Keeping

استاد وثوق

چند روز دیگر سالگرد درگذشت شادروان استاد علی خان وثوق می باشد. شادروان وثوق از استادان صاحب نام رشته‌ی حسابداری بود که زندگی خود را وقف درس و بحث نمود. فقید سعید در ۱۳۲۶ درجه کارشناسی رشته‌ی حقوق قضایی را از دانشکده حقوق دانشگاه تهران، در ۱۳۳۹ درجه‌ی کارشناسی ارشد از دانشکده‌ی علوم اداری دانشگاه تهران و در سال ۱۳۴۵ درجه‌ی دکتری علوم سیاسی را از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران اخذ نمود. علی خان وثوق یادگار دوران تاسیس رشته‌ی حسابداری در دانشگاه‌ها بود و بیش از ۵۰ سال به دانشجویان حسابداری این مرزوبوم چه با تدریس چه با نشر کتاب‌های سودمند خدمت نمود. یادش گرامی باد.